

منش زندگانی مزدیسنا



«تقدیم به روان پاک و بی مانند استاد رشید شهردان»

پژوهش و نگارش: فرید شولیزاده

بر سپیدی کاغذ می نویسم، در سایه پروردگار یکتا، هستی بخش بزرگ دانا، آن وجود پاک که هستی ما را آفرید و منش نیک در کنه وجود گیتوی ما قرار بداد. او که به ما خرد را ارزانی داشت تا راستی و درستی را از کژی و پلشتی تمیز دهیم و اشوئی پیشه کنیم که بر راستی، راستی نیک است، بهترین است، خوشبخت آن کسی است که در زندگی راستی را برگزیند.

رسیدن به مقصود و آرمان زندگی آنچنانکه اشوزرتشت به ما آموخته نه از راه ذکر اوراد و ترک جهان و در انزوا زیستن، بلکه از راه کار و فعالیت در زندگی و مبارزه با موانع خوشبختی و دفع سختی ها و ناملایمات زندگی بدست می آید. رفاه و پیشرفت جامعه را باید در وجود افراد بوسیله تلاش و کوشش در زندگی فراهم ساخت.

بطور کلی هر فردی از اعضای این جامعه بزرگ انسانیت موظف است در راه اصلاح وضع کنونی جامعه خود بکوشد تا وسایل خوشبختی و نجات نهایی بشر را چنانچه خواست پروردگار است فراهم سازد زیرا اهورامزدا به همین منظور انسان را که عالی ترین و برترین مخلوق است بیافرید.

پیامبر ایران از نحوه زندگانی گوشه نشینان و تارکان جهان که از مواجهه با مشقات زندگی و فریب های جهان مادی روی گردان بوده و عمر گرانیهای خود را به ذکر و فکر بی حاصل و مسائل پوچ و بی معنی، بیهوده تلف می کنند و غافل از تجربیات و نتایج زندگی واقعی هستند، طرفداری نکرده و این مشی زندگی را مخالف منزلت و فطرت پاک انسانی پمی داند.

پیامبر ایران می فرماید: «زندگی واقعی تنها ذکر و فکر خداوند بدون کار و کوشش نیست، بلکه برعکس در تلاش همیشگی و مبارزه با موانع خوشبختی بشر است. خداوندی که ما

را در این جهان مادی خلق کرده نخواستند است که هر کس از تحمل بار زندگی شانه خالی کرده و تنها در راه نجات خود بکوشد.» (گاتها).

تعالیم گاتها مردم را با یک رفورم بزرگ و پیشرفت برجسته ای آشنا می سازد که تا امروز در فضای اخلاقیات و روحیات بشر تکرار نشده است. در این سروده ها جلوه هایی از پویای انسان بسوی کمال اخلاقیات فردی و اجتماعی و تصفیه روح مردمان و گرایش انسان به درون و وجدان بجای انجام آداب و مراسم ظاهری بخوبی نمودار است و می آموزد که هر چه بکاری سرانجام همان را درو می کنی. از این مکتب زندگانی است که ابرمردانی چون کوروش و داریوش، آذرباد مهراسپندان و بزرگمهر بوجود می آیند. یک نفر زرتشتی چه عالم و عارف، چه دهقان و کشاورز، هرگز گوشه نشین نبوده و با سر تراشیده و لباس ژنده و تن و صورت کثیف دور از اجتماع نزیسته و در زندگانی زرتشتیان صوفی گری و درویش مسلکی و ریاضت کشی راه نجات نفس و روح نیست، بلکه کوشش و تلاش در راه زندگانی شاد همراه نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کرداری است که سرانجام رستگاری را در پی دارد. در زندگانی زرتشتی کسی که خواستار نزدیکی به درگاه اهورامزدا است، از زندگی فردی و جمعی خود نمی گیرد بلکه می داند که خدمت به خداوند، خدمت به خلق خداست. زندگی برابر تعالیم اشوزرتشت نعمتی بزرگ و شادی بخش است. گاتها روپرو شدن با غم و شادی زندگی و قدرت درک و لمس تارهای گوناگون هستی را به ما می آموزد. اندیشه ها و آموزش هایی که تمام لذات و خوشی های بشر را به جهان دیگر وعده می دهند و تماس انسان را با زندگانی واقعی و حقیقی این جهان منع می کند، آموزش های درست و صحیحی نیستند و سرانجام کار آنها فلاکت بشریت است.

فلسفه ی واقعی زندگی آنست که بشر را وادار به زیستن در جهان حقیقی کنونی کند. ترک خوشبختی ها و خوشی های مجاز جهان کنونی به امید رسیدن به پاداش ها و خوشی های جهان دیگر نادانی محض است. هنگامی که همه امیدهای بشر به جهان دیگر وابسته گردید، محیط زندگی اجتماعی برای گسترش صنایع اقتصادی و مادی مساعد نگشته و مردم آن محیط پیشرفتی در زندگی نخواهند کرد. در دین زرتشتی کمال زندگی انسان هرگز با ترک زندگانی مادی فراهم نمی شود.

ریاضت و خودآزاری با تمرین های فرساینده جسم و جان، هر گونه فضایل اخلاقی، اجتماعی و نیروهای مادی و معنوی افراد بشر را می خشکاند. فلسفه و هدف واقعی زندگی یک زرتشتی به کار انداختن قوای جسمانی، عقلانی و روانی اوست. فعالیت سخت و کار جدی و کوشش های مداوم عالی ترین دستور زندگی زرتشتیان است. در آیین مزدیسنا نه تنها کار و کوشش منع نشده بلکه تشویق و تقدیر هم شده است. بخصوص کشاورزی که از کارهای پر ارج و ثواب دانسته شده است. کسی که زمین های بی حاصل را بکارد یا باتلاقها را بخشکاند و جایش کشتزار نماید و درخت و میوه بپرورد، چنین کسی پارسایی را گسترده است. اشوزرتشت هر گونه فعالیت جسمی و عقلی و روحی را تشویق و سستی و تنبلی و بیکاری را منع فرموده است.

کوشش در راه پیشرفت جهان و افراد بشر وظیفه ی هر زرتشتی است. پس بکوشیم که ستم و بیدادگری و نادانی و قشری اندیشی و تیرگی دروغ از دل ها و روان های ما زدوده شود و خورشید نورانی خرد و نیکی و برابری و داد بر کاخ اندیشه ی ما تابیدن آغاز کند، فروغی ابدی که آتش دلهايمان بدان زبانه کشد و راستی را فریاد زند که این خواست و اراده ی اشوزرتشت است.